

« زن و مطالعات خانواده »

سال سوم - شماره 9 - پاییز 1389

ص ص 81 - 96

مقایسه نوع و میزان پرخاشگری در میان نوجوانان در معرض نمایش فیلم های خشن نوجوانان مشکین شهر

دکتر زینب خانجانی¹

شیوا عظیم زاده²

چکیده

هدف از پژوهش حاضر، بررسی مقایسه‌ای نوع و میزان پرخاشگری در میان نوجوانان در معرض نمایش بیش‌تر و کم‌تر فیلم های خشن می باشد.

روش پژوهش حاضر به صورت غیر تجربی و از نوع علی - مقایسه‌ای است. جامعه آماری مورد مطالعه متشکل از کلیه دانش‌آموزان سال سوم دبیرستان شهرستان مشکین شهر تشکیل می‌دهند و گروه نمونه 300 دانش‌آموز سال سوم دبیرستان را شامل می‌شود که به روش نمونه‌گیری تصادفی چند مرحله‌ای انتخاب شده است. این گروه به دو پرسشنامه، شامل پرسشنامه محقق ساخته تماشای فیلم خشن، پرسشنامه پرخاشگری باس و پری (AQ) پاسخ دادند.

مقایسه نتایج با آزمون آماری t مستقل نشان داد که بین میانگین پرخاشگری کل در دو گروه از نوجوانان در معرض تماشای کم و زیاد فیلم‌های خشن تفاوت معنی‌داری وجود دارد. از سوی دیگر از بین چهار نوع پرخاشگری بین دو گروه فوق‌الذکر فقط در پرخاشگری کلامی تفاوت معنی دار به دست نیامد و در سه نوع دیگر از انواع پرخاشگری تفاوت معنی‌دار آماری وجود داشت.

1- دانشیار گروه روان‌شناسی دانشگاه تبریز.

2- کارشناسی ارشد روان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تبریز.

Email: Shiva. azimzadeh@yahoo.com

واژگان کلیدی: فیلم خشن، پرخاشگری، پرخاشگری کلامی، پرخاشگری بدنی، خشم، خصومت

مقدمه

درباره تأثیر برنامه‌های خشونت آمیز بر روی افراد به ویژه کودکان و نوجوانان تاکنون بحث‌های بسیار و تحقیقات فراوانی صورت گرفته است. تحقیقات روان‌شناختی تأیید می‌کنند که بسیاری از رفتارها و یادگیری‌ها، از طریق تقلید و مشاهده رخ می‌دهد و گزارش‌های عینی اکثر والدین نیز نشان داده‌اند که کودکان و حتی نوجوانان، اعمال به نمایش درآمده و عبارات بیان شده در برخی از برنامه‌های تلویزیونی را تقلید می‌کنند (جوادی، سهرابی، فلسفی نژاد، برجعلی، 1387). مهم‌ترین نظریه‌ای که به نحوه گسترده به بررسی این موضوع پرداخته، رویکرد یادگیری اجتماعی بندورا¹ است. برطبق نظریه یادگیری اجتماعی بندورا، افراد از طریق مشاهده رفتار دیگران به یادگیری می‌پردازد (سیف، 1388).

پیشرفت‌های امروزی صنعت تلویزیون در نگاه اول بسیار رضایت‌بخش به نظر می‌رسد. فیلم‌ها و برنامه‌های سرگرم‌کننده را می‌توان با فشار یک دکمه از سراسر جهان در هر ساعتی از روز دریافت کرد. اما درورای این رضایت عمومی از پیشرفت‌های به دست آمده در این صنعت، نگرانی‌های عمیقی در مورد دسترسی بسیار آسان نوجوانان، به ویژه کودکان و خردسالان به برنامه‌های خشونت آمیز و هرزنگارانه، آن هم به صورت آزاد و نامقوع نهفته است (کارلسون، فایلیتزن، 1380). این نگرانی در مورد خشونت تلویزیونی به اولین روزهای ورود رسانه برمی‌گردد. ریشه این مسأله را می‌توان در نگرانی‌هایی یافت که معمولاً وسیله تفریحی جدید عمومی ظاهر می‌شود. این عکس‌العمل انتقادی در ورود رسانه‌های عمومی حادثه‌ای و خیال‌انگیز در قرن 19 و افزایش فیلم‌های سینمایی محبوب در طی نیمه اول قرن بیستم نیز رخ داده است (گانتز²، 2008). گرایش بسیار قوی به محدود سازی این حجم رسانه‌ای که در حد برنامه‌های تلویزیونی باقی نمانده، به آسانی در بازی‌های الکترونیکی فیلم‌های سینمایی و مطالب سمعی و بصری موجود در اینترنت نیز یافت می‌شود، شکل گرفته است. با افزایش تعداد و انواع رسانه‌ها، حجم نمایش و انتشار خشونت در رسانه‌ها³ نیز افزایش یافته است (کارلسون، فایلیتزن، 1380). به طور کلی رسانه‌ها دنیایی را به نمایش می‌گذارند که در آن رفتارهای ناسالمی مانند خشونت جسمی، رفتار جنسی بدون محافظت، مصرف سیگار و نوشیدن مست‌کننده‌ها را بی‌خطر جلوه می‌دهد (براون⁴، ویترسپون⁵، 2002). برنامه‌های تلویزیونی اغلب پرخاشگری را به عنوان یک روش خوب برای حل مشکلات نشان

1- Bandura

2- Gunter

3- Media Violence

4- Brown

5- Witherspoon

می‌دهند. روشی که باعث افزایش اهمیت پرخاشگری و حتی سرگرم‌کنندگی آن می‌تواند باشد (گروبل¹؛ نقل از روزن کوتر²، روزن کوتر³، اکوک⁴، 2009).

در مطالعه‌ای که هویف⁵، هوبر⁶ و ویب⁷ (2008) در آن به بررسی خشونت رسانه‌ای پرداخته‌اند، به این نتیجه دست یافتند که اغلب کودکانی که در دوران کودکیشان فیلم‌های ترسناک خشونت‌آمیز مشاهده کرده‌اند و اکثر نوجوانانی که به بازی‌های خشونت‌آمیز پرداخته بودند، خشونت و بزهکاری بیش‌تری را در سن 14 سالگی نشان می‌دهند. اما در پژوهش جوادی، سهرابی، فلسفی نژاد، برجلی (1387) که در آن به بررسی تأثیر مداخله (نظارت) در تماشای خشونت تلویزیونی بر پرخاشگری پسران پرداختند، میزان پرخاشگری کلی کودکان در پایان 12 جلسه تماشای کارتون‌های خشونت‌آمیز تغییر نکرد.

در بررسی‌هایی که بر روی ارتباط میان تماشای خشونت روی صفحه تلویزیون و پرخاشگری انجام شد، بعضی یافته‌ها بر این امر دلالت داشتند که دیدن خشونت در موقعیت‌های طبیعی، پرخاشگری بعدی را افزایش می‌دهد (فردمن⁸؛ نقل از فرجی، 1371). در برخی موارد تماشای خشونت در پرخاشگری اثری ندارد و در برخی حتی اثر معکوس دارد (فرجی، 1371).

نتایج مطالعه فرگوسن⁹، میگل¹⁰، هارتلی¹¹ (2009) نشان می‌دهد قرار گرفتن در معرض خشونت تلویزیونی یا بازی‌های ویدیویی خشونت‌آمیز، پرخاشگری را در جوانان پیش‌بینی نمی‌کند و نتایج مطالعه کیویتز¹² و ویور¹³ (2001) نشان داد خشونت فیلم، تأثیر منفی بر روی بینندگان بر جای نمی‌گذارد.

شواهد هماهنگی در مورد این که تصاویر خشونت‌آمیز در تلویزیون، فیلم، ویدیو و بازی‌های کامپیوتری دارای اثرات کوتاه مدت قابل توجهی در برانگیختگی افکار، احساسات پرخاشگرانه و یا ترس در نوجوانان و به خصوص در پسران است، وجود دارد (براون¹⁴، همیلتون - گیاجریتیس¹⁵، 2008).

تحقیقات نشان می‌دهد کودکانی که زمان بیش‌تری به تماشای تلویزیون در روز می‌پردازند سطح بالاتری از رفتارهای خشونت‌آمیز را نسبت به کودکانی که مقدار کم‌تری در روز به تماشای تلویزیون می‌پردازند، گزارش می‌کنند (سینگر¹، اسلوواک²، فریسون³، یورک⁴، 2009).

-
- 1- Groebel
 - 2 Rosenkoetter
 - 3- Rosenkoetter
 - 4- Acock
 - 5- Hopf
 - 6- Huber
 - 7- Weib
 - 8- Freadman
 - 9- Ferguson
 - 10- Miguel
 - 11- Hartley
 - 12- Kiewitz
 - 13- Weaver
 - 14- Brown
 - 15- Hamilton – Giachritsis

این در حالی است که 30 مورد از مطالعات انجام شده نشان داده است که هیچ ارتباطی بین تماشای خشونت رسانه‌ها و رفتارهای پرخاشگرانه وجود ندارد (نقل از استراس برگر، 2004).

اما چهل سال مطالعات علمی نشان می‌دهد که قرار گرفتن در معرض خشونت‌های تلویزیونی بر روی کودکان و هم بزرگسالان تأثیر می‌گذارد و باعث رفتار پرخاشگرانه و تأیید خشونت به عنوان ابزاری برای حل و فصل مناقشات می‌شود (پیپر⁵، ایرون⁶، هیوسمن⁷، 2008).

کوینی⁸، نیلسون⁹، گراهام¹⁰، کیوان¹¹، گیسستیر¹² (2010) استدلال می‌کنند هر چند شواهد روشنی در مورد تأثیرات کوتاه مدت نمایش خشونت در رسانه‌ها وجود دارد، اثرات طولانی مدت آن بر روی رفتار تهاجمی و جنایت‌کارانه ضعیف یا ناهماهنگ است. اما سه دهه پژوهش نشان می‌دهد که مشاهده خشونت باعث تقلید خشونت، رفتار پرخاشگرانه، پذیرش خشونت به‌عنوان راه‌حل، افزایش احساسات خصمانه و تمایل به ارائه محرک‌های دردناک به دیگران می‌شود (سارجنت¹³، هیاتیرتون¹⁴، آهرینس¹⁵، دالتون¹⁶، تیکلی¹⁷ و همکاران، 2002).

کینتس چی¹⁸ (2004) معلوم کرد رسانه‌های الکترونیکی منجر به خشونت، در زندگی واقعیت پیدا نمی‌کنند خصومت¹⁹ و خشونت غیر مستقیم را موجب می‌شوند

برخی مطالعات حاکی از آنند که حتی قرار گرفتن کوتاه مدت در معرض خشونت رسانه‌ای احتمال رفتارهای فیزیکی و کلامی پرخاشگرانه، افکار و احساسات پرخاشگرانه را افزایش می‌دهد. همچنین مطالعات طولی گسترده اخیر نیز شواهد هم‌گرایی از ارتباط بین در مشاهده مکرر خشونت رسانه‌ای در دوران کودکی با پرخاشگری بعدی، از جمله ضرب و جرح جسمی نیز ارائه داده‌اند (آندرسون²⁰، برکوویتز²¹،

- 1- Singer
- 2- Slovak
- 3- Frieson
- 4- Yourk
- 5- Pieper
- 6- Eron
- 7- Huesmann
- 8- Coynea
- 9- Nelsona
- 10- Graham-Kevan
- 11- Keister
- 12- Grant
- 13- Sargent
- 14- Heatherton
- 15- Ahrens
- 16- Dalton
- 17- Tickle
- 18- Kuntsche
- 19- Hostility
- 20- Anderson
- 21- Berkowitz

دونرستین¹، هیسمن²، جانسون³ و همکاران، 2003) و خلاصه پژوهش‌های از آمریکا نشان می‌دهد که محتوای خشونت‌آمیز در اکثر رسانه‌ها تأثیر کوچک اما مهمی در دنیای واقعی دارد. سه نوع از تأثیرات، یادگیری رفتار و حالت پرخاشگرانه، کاهش حساسیت و ایجاد ترس می‌باشند (ویتنی⁴، وارتلا⁵، 2001). شماری از مطالعات بلندمدت گویای آنند که هر چه افراد در کودکی خشونت بیشتری در تلویزیون تماشا کنند، سال‌ها بعد به عنوان نوجوان یا جوان بزرگسال خشونت بیشتری از خود نشان می‌دهند. در یک مطالعه نمونه از این نوع به روش زیر عمل شد: 1- از نوجوانان سؤال شد به یاد آورند که وقتی بچه بودند، کدام برنامه را تماشا می‌کردند و آن‌ها را به چه میزان تماشا می‌کردند: 2. آن برنامه‌ها از لحاظ سطح خشونت، توسط داوران مستقل درجه بندی شدند. 3. پرخاشگری عمومی نوجوانان، مستقیماً توسط معلمان و همکلاسی‌های آنان درجه بندی شد. نه تنها بین میزان تماشای برنامه‌های تلویزیونی خشن و پرخاشگری بعدی بینندگان، همبستگی بالایی وجود داشت، بلکه تأثیر آن طی زمان، انباشته و متراکم شده بود. به این معنا که با افزایش سن، استحکام این رابطه افزایش می‌یافت. با این‌که این داده‌ها از استحکام نسبی برخوردارند، به صورت قاطع ثابت نمی‌کنند که تماشای خشونت در تلویزیون به مقدار زیاد، باعث می‌شود که بچه‌ها نوجوانان خشن بشوند (ارونسون⁶، 1385). از آن‌جا که در دنیای امروز روز به روز بر میزان استفاده از رسانه‌ها و انواع دستگاه‌های ارتباط جمعی افزوده می‌شود بنابراین این موضوع مسأله مهمی برای جامعه امروز محسوب می‌شود و نیاز به پژوهش‌های دقیق علمی را اجتناب ناپذیر می‌سازد. از سوی دیگر با توجه به یافته‌های متناقض فوق‌الذکر هنوز پاسخ قاطعی برای این سؤال که آیا تماشای فیلم‌های خشن می‌تواند سطح خشم و پرخاشگری را افزایش دهد، به دست نیامده است به همین دلیل انجام پژوهشی در این حیطه می‌تواند پاسخگوی تناقضات فوق‌الذکر باشد. پژوهش حاضر به دنبال آن است تا به مقایسه نوع و میزان پرخاشگری در میان نوجوانان در معرض نمایش فیلم‌های خشن بپردازد.

فرضیه‌های پژوهش

1. میزان پرخاشگری کلی نوجوانانی که بیش‌تر در معرض نمایش فیلم خشن بوده‌اند بیش از نوجوانانی است که کم‌تر در معرض فیلم خشن قرار داشته‌اند.
2. نوع پرخاشگری (پرخاشگری بدنی، کلامی، خشم، خصومت) نوجوانانی که بیش‌تر در معرض نمایش فیلم خشن بوده‌اند با نوجوانانی که کم‌تر در معرض فیلم‌های خشن بوده‌اند تفاوت دارد.

1- Donnerstein
2- Huesmann
3- Johnson
4- Whitney
5- Wartella
6- Aronson

تعاریف مفهومی متغیرها

تعریف مفهومی تماشای فیلم خشن: هر گونه تماشای فیلم هایی که اساس آن بر خشونت و تهدید همراه با اسلحه یا بدون آن می باشد. اغلب هدف این نوع فیلمها آسیب رساندن، تنبیه، انتقام یا ارباب یک موجود یا گروهی از موجودات یا تخریب اشیا و دارایی است. این خشونت ممکن است عملاً صورت گیرد یا صرفاً برای انجام آن تلاش شود. ممکن است به آسیب و جراحت منجر شود یا نشود (گربرنر¹، هاریسون²؛ نقل از بیابانگرد، صالحی سده، 1386).

تعریف مفهومی پرخاشگری: بارون³ و ریچاردسون⁴ (نقل از محمدی، 1385) در تعریف پرخاشگری پرخاشگری نشان داده اند که، هدف این گونه رفتارها تخریب و آسیب رسانی به یک موجود زنده و اموال اوست. رفتاری که سبب بروز واکنش های دفاعی و اجتنابی از سوی قربانی می گردد.

تعریف مفهومی پرخاشگری بدنی: پرخاشگری بدنی یا ابزاری شامل ایراد ضرب و جرح و وارد ساختن درد و رنج به دیگری به مثابه ابزاری برای دستیابی به یک هدف است که شکل محسوس آن می تواند دستیابی به اهداف گوناگونی مانند پاداش مادی، پیروزی، افتخار، یا تحسین باشد و متضمن خشونتی غیر احساسی و معطوف به انجام وظیفه است (برکویتز؛ نقل از فتحی نیا، علیزاده، 1382).

تعریف مفهومی پرخاشگری کلامی: در پرخاشگری کلامی آزار و حملات با کلمات است، مانند فحش دادن یا توهین کردن به دیگران و مسخره کردن (حسن زاده، 1386).

تعریف مفهومی خشم: خشم یک حالت هیجانی یا احساس درونی ناشی از برانگیختگی فیزیولوژیکی و شناخت و افکار مربوط به کینه توزی می باشد (اسپیلبرگر؛ نقل از نویدی، 1387).

تعریف مفهومی خصومت: خصومت بنا به تعریف، عبارت از یک سازه روانشناختی است در واقع خصومت یک نگرش دشمنانه نسبت به چیزی و یا کسی است که با تعدادی از پدیده ها، مانند پرخاشگری، خشم، آزدگی، تحریک پذیری، بدگمانی، نفرت، پرخاشگری کلامی و فیزیکی و احساس بی اعتمادی در رابطه است (مسعود نیا، 1389).

جامعه آماری، گروه نمونه و روش نمونه گیری

جامعه آماری این پژوهش کلیه دانش آموزان سال سوم دبیرستان شهرستان مشکین شهر در سال تحصیلی 89_90 می باشد. بر اساس آمار به دست آمده از اداره آموزش و پرورش مشکین شهر تعداد آنها 1425 نفر بود که بر این اساس تعداد افراد نمونه آماری پژوهش 300 نفر از دانش آموزان سال

1- Gerbner
2- Haruson
3- Baron
4- Richardson

سوم دبیرستان شهرستان مشکین شهر می باشد. تعداد نمونه براساس جدول مورگان¹ محاسبه شده است. در این تحقیق از روش نمونه گیری تصادفی چند مرحله‌ای استفاده گردید. به این صورت که ابتدا فهرستی از دبیرستان‌های سال سوم مشکین شهر تهیه گردید و سپس در مرحله اول از بین مدارس، 15 مدرسه و از هر مدرسه یک کلاس انتخاب شدند. بدین ترتیب 15 کلاس در طرح قرار گرفت و در گام بعدی از روی لیست حضور و غیاب از هر کلاس تعداد 20 دانش آموز بصورت کاملا تصادفی انتخاب شدند.

ابزارهای پژوهش

1- پرسشنامه محقق ساخته فیلم خشن²: این پرسشنامه توسط محقق و با استناد به منابع و مقالات پژوهشی انجام شده قبلی در حیطه آثار فیلم‌های خشن و پرسشنامه‌های قبلی مثل پرسشنامه اوقات فراغت (گوندرسون³، 2006) و پرسشنامه میزان تماشای خشونت تلویزیونی توسط کودکان (توسلی و فاضلی، 1381) و با استفاده از نظرات دو تن از اعضای هیأت علمی روان شناسی دانشگاه آزاد اسلامی تبریز (استاد راهنما و مشاور) ساخته شده است. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارش دهی است که شامل 13 عبارت می باشد که آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف 5 درجه ای از نوع لیکرت از خیلی کم (1) کم (2) متوسط (3) زیاد (4) خیلی زیاد (5) پاسخ می‌دهند. این پرسشنامه شامل دو بخش از سوالات می‌باشد که سوالات 1، 2، 4، 6، 8، 10، 11، میزان علاقه افراد را به فیلم های عادی (خانوادگی، آموزشی و یادگیری، سرگرم کننده، لطیف و احساسی) و سوالات 3، 5، 7، 9، 12، 13 که میزان علاقه افراد را به فیلم‌های خشن (جنگی و رزمی، وحشتناک، قتل و کشتار) را نشان می دهد. در پژوهش حاضر به منظور بررسی اعتبار محتوایی پرسشنامه فوق الذکر از نظر اساتید صاحب نظر در این مورد استفاده شد. بنابراین اعتبار محتوایی پرسشنامه فوق بررسی شده است. به طوری که پرسشنامه مذکور توسط سه تن از اعضای هیأت علمی روان شناسی مورد بررسی و تأیید قرار گرفت.

به منظور بررسی پایایی سوالات مربوط به پرسشنامه فوق از آزمون آلفای کرونباخ استفاده شد تا با محاسبه این ضریب به پایایی درونی گویه‌ها پی برده شود. میزان آلفای کرونباخ در این پرسشنامه پس از اجرا روی یک گروه 30 نفره برابر با 0/79 بود که نشان دهنده مناسب بودن سوالات می باشد.

2. پرسشنامه پرخاشگری باس وپری: پرخاشگری در این پژوهش به وسیله فرم ترجمه شده پرسشنامه پرخاشگری باس و پری⁴ (AQ) (1992) مورد بررسی قرار گرفت. این پرسشنامه یک ابزار خود گزارشی است و شامل 29 عبارت می باشد که آزمودنی‌ها به هر یک از عبارات در یک طیف 5 درجه‌ای پاسخ

1- Morgan
2- Violent movie
3- Gunderson
4- Bus & Peri

می‌دهند و برسشنامه دارای 4 خرده مقیاس با عنوان پرخاشگری کلامی، پرخاشگری فیزیکی، خشم، خصومت می‌باشد. بنابراین هر چه نمره بالاتر باشد فرد پرخاشگری بیش‌تری دارد (سروقد، دانش پرور، 1389). اعتبار پرسش نامه پرخاشگری از راه سه روش آلفای کرونباخ، بازآزمایی و تنصیف مورد تحلیل قرار گرفت که به ترتیب، ضرایب 0/89، 0/78 و 0/73 به دست آمد. روایی این پرسش نامه نیز، از راه شاخص های روایی همگرا، همزمان و تحلیل عوامل مورد بررسی قرار گرفت. روایی همگرایی پرسش نامه پرخاشگری با محاسبه ضریب همبستگی زیر مقیاس های این پرسش نامه با یکدیگر و با کل پرسش نامه، تأیید شد که این ضرایب میان 0/37 تا 0/78 متغییر و معنادار بودند ($p < 0/100$) (محمدی، 1385).

روش تحلیل داده ها

برای تحلیل داده ها 25 درصد دانش آموزانی که بالاترین نمره و 25 درصدی که پایین تر نمره را در پرسشنامه محقق ساخته تماشای فیلم خشن به دست آورده‌اند، از لحاظ نوع و میزان پرخاشگری با استفاده از مدل آماری t مستقل مورد مطالعه قرار گرفتند.

یافته ها

جدول 1- نتایج تی تست برای پرخاشگری کلی در دو گروه از نوجوانان بر اساس قرار گیری در معرض نمایش فیلم های خشن

سطح معنی داری	درجه آزادی	مقدار t	انحراف معیار	میانگین	تعداد	معرض نمایش فیلم خشن
.005	287	-1.351	17.46	82.47	69	کم
			21.94	91.83	74	زیاد

در جدول 1، نتایج آزمون تی تست برای پرخاشگری کلی در دو گروه از نوجوانان در معرض فیلم‌های خشن نشان داده شده است.

اطلاعات جدول گویای آن است که میانگین پرخاشگری کلی برای نوجوانانی که در معرض نمایش کم فیلم‌های خشن بوده‌اند 82/47 و در نوجوانانی که در معرض نمایش زیاد فیلم های خشن بوده‌اند 91/83 می باشد.

آزمون تی تست اختلاف معنی‌داری را بین میانگین پرخاشگری کل در دو گروه از نوجوانان نشان می دهد ($p < 0.05$ و $t = 1.35$). پرخاشگری کلی نوجوانانی که بیش‌تر فیلم خشن تماشا کرده‌اند به طور معنی‌داری بیش‌تر از افرادی است که کم‌تر در معرض نمایش این فیلم ها قرار گرفته‌اند. بنابراین فرضیه یک پژوهش تأیید می شود.

جدول 2- نتایج آزمون تی تست برای انواع پرخاشگری در دو گروه از نوجوانان بر اساس قرار گیری در معرض نمایش فیلم های خشن

نوع پرخاشگری	معرض نمایش فیلم خشن	تعداد	میانگین	انحراف معیار	مقدار t	درجه آزادی	سطح معنی داری
بدنی	کم	69	24.7971	6.10588	-3.81	151	0.00
	زیاد	74	29.0119	7.34600			
کلامی	کم	69	15.5797	3.58676	-0.25	151	0.80
	زیاد	74	15.7500	4.70292			
خشم	کم	69	19.8116	6.16030	-2.00	151	0.05
	زیاد	74	21.7738	5.94017			
خصوصیت	کم	69	22.2899	6.17419	-2.69	151	0.01
	زیاد	74	25.2976	7.42639			

- میانگین پرخاشگری بدنی برای نوجوانانی که در معرض نمایش کم به فیلم های خشن بوده اند 24/79 و در نوجوانانی که در معرض نمایش زیاد فیلم های خشن بوده اند 29/01 می باشد. تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین پرخاشگری بدنی در دو گروه از نوجوانان نشان می دهد ($t=3.81$ و $p<0.05$). به عبارتی پرخاشگری بدنی نوجوانانی که بیشتر فیلم خشن تماشا کرده اند به طور معنی داری بیشتر از افرادی است که کم تر در معرض تماشای این فیلم ها قرار گرفته اند.

- میانگین پرخاشگری کلامی برای نوجوانانی که در معرض تماشای کم به فیلم های خشن بوده اند 15/57 و در نوجوانانی که در معرض تماشای زیاد به فیلم های خشن بوده اند 15/75 می باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین پرخاشگری کلامی در دو گروه از نوجوانان نشان نمی دهد ($t=0.25$ و $p>0.05$)

- میانگین خشم برای نوجوانانی که در معرض نمایش کم تر فیلم های خشن بوده اند 19/81 و در نوجوانانی که در معرض نمایش بیشتر به فیلم های خشن بوده اند 21/77 می باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی داری را بین میانگین خشم در دو گروه از نوجوانان نشان می دهد ($t=2$ و $p<0.05$). به عبارتی خشم نوجوانانی که بیشتر فیلم خشن تماشا کرده اند، به طور معنی داری بیشتر از افرادی است که کم تر در معرض نمایش این فیلم ها قرار گرفته اند.

- میانگین خصومت برای نوجوانانی که در معرض نمایش کم‌تر فیلم‌های خشن بوده‌اند 22/28 و در نوجوانانی که در معرض نمایش بیش‌تر فیلم‌های خشن بوده‌اند 25/29 می‌باشد. آزمون تی تست اختلاف معنی‌داری را بین میانگین خصومت در دو گروه از نوجوانان نشان می‌دهد ($t = 2.69$ و $p < 0.05$). به عبارتی خصومت نوجوانانی که بیش‌تر فیلم خشن تماشا کرده‌اند به طور معنی‌داری بیش‌تر از افرادی است که کم‌تر در معرض نمایش این فیلم‌ها قرار گرفته‌اند.

بحث و نتیجه گیری

نخستین یافته پژوهش حاضر نشان می‌دهد که بین میانگین پرخاشگری کل نوجوانانی که بیش‌تر در معرض نمایش فیلم خشن بوده‌اند با نوجوانانی که کم‌تر در معرض نمایش بوده‌اند تفاوت معنی‌داری وجود دارد. نتایج این یافته با یافته‌های براون، همیلتون - گیاجریبتس (2008) که معتقدند تصاویر خشونت آمیز پرخاشگری را در نوجوانان افزایش می‌دهد، هم سو می‌باشد و نیز با یافته هویف، هوبر، ویف (2008) که نشان داد کودکانی که تصاویر خشونت آمیز را تماشا می‌کنند خشونت بیش‌تری را نشان می‌دهند، همسو می‌باشد و با یافته آندرسون، بروکتیز، دونرستین، هیوسمن، جانسون (2003) که نشان داد قرار گرفتن در معرض خشونت رسانه‌ای رفتارهای پرخاشگرانه را افزایش می‌دهد، هم سو می‌باشد و نیز با یافته سینگر، اسلوواک، فریسون، یورک (2009) ویتنی، وارتلا (2001) گوندرسون (2006) روزن کوتر، روزن کوتر، اکوک (2009) و پیپر، ایرون، هیوسمن (2008) و... که معتقدند تماشای خشونت با پرخاشگری ارتباط دارد، هم سو می‌باشد.

یکی از تبیین‌های احتمالی برای تأیید پرخاشگری کلی نوجوانانی که در معرض فیلم‌های خشن بوده‌اند می‌تواند به نظریات یادگیری اجتماعی بندورا استناد کرد. بندورا به نقش مشاهده در آموزش توجه می‌کند و یادگیری را فرآیندی پیوسته در طی زندگی معرفی می‌کند. وقتی درباره یادگیری مشاهده‌ای سخن به میان می‌آید رسالت رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های دیداری در امر آموزش بیش از هر زمان دیگر پررنگ می‌شود. خود بندورا نیز عمده پژوهش‌های خود را با نمایش فیلم و بررسی اثر فیلم بر انسان‌ها انجام داده است و اکثر پژوهش‌ها مؤید آن است که سینما و تلویزیون نقش بسزایی در آموزش ایفا می‌کنند. زیرا در فیلم‌ها، هنگامی که قهرمان داستان (یا الگو از نظر بندورا) در مواجهه با حوادث پر مخاطره داستان قرار می‌گیرند، تماشاگران به طور ناهشیار در تقدیر او مشارکت می‌کنند. این فرآیند چنان تماشاگران را به داستان فیلم جذب می‌کند که گویی خود آن‌ها در این حوادث نقش بازی می‌کنند. بنابراین رفتارهای پرخاشگرانه زیادی را کودکان از طریق تماشای تلویزیون یاد می‌گیرند (کارلسون، فون، فایلیتزن، هوستن، رایب، پارک، اسلابی؛ نقل از روزن کوتر، روزن کوتر، اکوک، 2009).

... یکی دیگر از یافته‌های مهم پژوهش حاضر نشان داد که از بین انواع پرخاشگری شامل بدنی، کلامی، خصومت و خشم، فقط در پرخاشگری کلامی بین دو گروه نوجوانان فوق الذکر تفاوت معنی دار آماری وجود نداشت و در سایر انواع پرخاشگری تفاوت معنی داری وجود داشت.

تفاوت معنی داری بین میانگین پرخاشگری بدنی در دو گروه از نوجوانان در معرض نمایش کم‌تر و بیش‌تر فیلم خشن با یافته آندرسون، برکوتیز، دونرستین، هیوسمن، جانسون و همکاران (2003) که نشان داد حتی قرار گرفتن کوتاه مدت در معرض خشونت رسانه‌ای رفتارهای فیزیکی را افزایش می‌دهد، هم سو می‌باشد.

یکی از تبیین‌های احتمالی برای بالاتر بودن پرخاشگری بدنی در افرادی که بیش‌تر در معرض بخش فیلم‌های خشن بوده‌اند آن است که برنامه‌های تفریحی خشونت آمیز، الگوهای کنشی را در اختیار بینندگان به خصوص کودکان و نوجوانان قرار می‌دهند. این الگوها در بیش‌تر موارد نهفته می‌مانند، اما ممکن است در شرایط مناسب به رفتار خشن بارزی منجر شوند.

به نظر می‌رسد افزایش پرخاشگری بدنی در بین افرادی که در معرض فیلم‌های خشن بوده‌اند احتمالاً به نوع تقویت ادراک شده آن‌ها نیز مربوط باشد. از آن‌جا که در اکثر فیلم‌ها، افرادی که از پرخاشگری بدنی استفاده می‌کنند موفق می‌شوند تا به اهداف خود برسند و کامیاب می‌شوند در نتیجه کودک می‌آموزد که با پرخاشگری بدنی می‌توان مانع ناکامی شد و پیروز و سربلند بیرون آمد. در واقع ادراک تقویت ناشی از پرخاشگری بدنی باعث افزایش پرخاشگری‌های جسمانی می‌شود. قهرمانان فیلم که قدرت کاراته بازی، شمشیر بازی و غیره را دارند، اغلب موفق هستند. به همین دلیل این نوع پرخاشگری همواره در فیلم‌ها با تقویت‌کننده‌های از نوع پیروزی و قدرت نشان داده می‌شود. بندورا در پژوهشی به سه گروه از آزمودنی‌ها، یک فیلم خشن که در آن بزرگسالی عروسکی را کتک می‌زد، نشان داد. در گروه اول فیلم به گونه‌ای بود که بزرگسال به دلیل رفتار خود تشویق شده و گروه دوم تنبیه و در گروه سوم خنثی بود. نتایج نشان داد بیش‌ترین میزان پرخاشگری بدنی نسبت به عروسک مذکور را بعدها گروهی که شاهد تشویق بزرگسال در فیلم بودند، نشان دادند. بنابراین به نظر می‌رسد تجربه غیر مستقیم تقویت و تنبیه به همان اندازه تجربه مستقیم، رفتار را تغییر می‌دهد.

هم‌چنین عدم تفاوت معنی دار بین دو گروه فوق در پرخاشگری کلامی با یافته‌های کیویتز، ویور (2001) که معتقدند خشونت فیلم هیچ تأثیر منفی بر روی بینندگان بر جای نمی‌گذارد، هم سو می‌باشد و نیز با یافته استراس برگر (2004) که بین خشونت رسانه‌ای و رفتارهای پرخاشگرانه ارتباطی نیافته است، هم سو می‌باشد.

تبیین احتمالی، یافته این می‌تواند چنین باشد که در اکثر فیلم‌ها از پرخاشگری بدنی استفاده می‌کنند و کم‌تر از پرخاشگری‌های کلامی مثل فحاشی استفاده می‌شود و اگر استفاده شود نیز با نوعی پیامدهای منفی فرهنگی و تربیتی مواجه می‌شود (مثل برچسب بی ادب، لات بودن، بی فرهنگ و...) و

در نتیجه ادراک نوعی تنبیه و محرومیت که در پی پرخاشگری‌های کلامی اتفاق می‌افتد، موجب کاهش این نوع پرخاشگری می‌شود.

هم‌چنین تفاوت معنی‌دار بین دو گروه فوق در خشم با یافته‌های پیپر، ایرون، هیوسمن (2008)، سارجنت، هیاتیرتون، آهرنس، دالتون، تیکلی (2002)، سینگر، اسلوواک، فریسون، یورک (2009) و ویتنی، وارتلا (2001) که معتقدند تماشای خشونت باعث افزایش خشم می‌شود، هم‌سو می‌باشد.

برای تبیین این یافته پژوهش حاضر که سطح خشم در افرادی که در معرض فیلم‌های خشن بوده‌اند، بالاتر است می‌توان به نظریات یادگیری اجتماعی بندورا استناد کرد. بندورا به نقش مشاهده در آموزش توجه می‌کند و یادگیری را فرآیندی پیوسته در طی زندگی معرفی می‌کند. وقتی درباره یادگیری مشاهده‌ای سخن به میان می‌آید رسالت رسانه‌ها، به ویژه رسانه‌های دیداری در امر آموزش بیش از هر زمان دیگر پررنگ می‌شود. خود بندورا نیز عمده پژوهش‌های خود را با نمایش فیلم و بررسی اثر فیلم بر انسان‌ها انجام داده است. و اکثر پژوهش‌ها مؤید آن است که سینما و تلویزیون نقش به‌سزایی در آموزش ایفا می‌کنند. زیرا در فیلم‌ها، هنگامی که قهرمان داستان (یا الگو از نظر بندورا) در مواجهه با حوادث پر مخاطره داستان قرار می‌گیرند، تماشاگران به طور ناهشیار در تقدیر او مشارکت می‌کنند. این فرآیند چنان تماشاگران را به داستان فیلم جذب می‌کند که گویی خود آنها در این حوادث نقش بازی می‌کنند. بنابراین رفتارهای پرخاشگرانه زیادی را کودکان از طریق تماشای تلویزیون یاد می‌گیرند (کارلسون، فون، فایلیتزن، هوستن، رایت، پارک، اسلابی؛ نقل از روزن کوتر، روزن کوتر، اکوک، 2009). این نظریه (یادگیری مشاهده‌ای) بر نقش همانندسازی مشاهده‌کننده با الگو و روابط میان مردم تأکید بسیاری دارد. هر چه الگوها به واقعیت نزدیک‌تر باشند، بیش‌تر از آنها تقلید می‌شود. اگر مشابهت فراوانی میان خشونت به نمایش درآمده در رسانه و موقعیت‌های زندگی روزمره وجود داشته باشد و اگر مخاطبان نیز تمایل به تقلید از رفتار خشونت‌آمیز داشته باشند، تقلید از خشونت تلویزیونی محتمل‌تر است.

هم‌چنین تفاوت آماری بین دو گروه فوق در خصومت با یافته کیتس چی (2004) که معتقد است رسانه‌ها منجر به خصومت و خشونت غیر مستقیم می‌شود، هم‌سو می‌باشد.

تبیین احتمالی برای تأیید خصومت را می‌توان این‌گونه توجیه کرد که طبق نظریه اثر محرک تماشای خشونت رسانه‌ای نگرش‌ها، اندیشه‌ها، ارزیابی‌ها و حتی رفتارهای خشونت‌آمیز را در فرد تحریک می‌کند به طوری که در تماشاگران برنامه‌های خشن تمایل بیش‌تری به توسل به خشونت در روابط بین فردی مشاهده می‌شود (کارلسون، فایلیتزن، 1380).

پیشنهادها

1. پیشنهاد می‌شود مشابه این پژوهش در سایر شهرستان‌ها نیز انجام شود و نتایج آن با این تحقیق مقایسه شود.
- 2- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی از مصاحبه و مشاهده نیز استفاده شود و نتایج آن با داده‌های پژوهش حاضر مقایسه شود.
- 3- پیشنهاد می‌شود در پژوهش‌های آتی طرح‌های مداخله‌ای پیش‌آزمون - پس‌آزمون اجرا شود و نتایج مقایسه شود.
- 4- برپایی و ایجاد سمینارها و محافل علمی جهت متخصصان، خانواده‌ها، اولیای آن‌ها، دانش‌آموزان و همه اقشار مردم به منظور آشنا نمودن آن‌ها با تأثیر فیلم‌های خشن.
- 5- چاپ و نشر مجلات و کتب و روزنامه‌ها و... جهت آگاهی و آموزش برای ارتقای دانش و آگاهی مردم در مورد نقش یادگیری مشاهده‌ای در افزایش خشونت‌های لجام‌گسیخته جوامع امروز.
- 6- تغییر ساعت پخش فیلم‌های خشن و موقوف کردن آن فیلم‌ها به آخر شب.

محدودیت‌های پژوهشی

1. ابزار جمع‌آوری اطلاعات در این پژوهش پرسشنامه خودگزارش دهی می‌باشد که واجد محدودیت‌های خاص خود می‌باشد و نتایج آن قابل تعمیم به پژوهش‌هایی که از ابزار دیگر استفاده کرده‌اند، نمی‌باشد.
2. جامعه آماری مورد پژوهش حاضر مربوط به دانش‌آموزان کلاس سوم دبیرستان شهرستان مشکین شهر بوده، لذا تعمیم آن به سایر جوامع آماری باید با احتیاط انجام گیرد.

منابع

- ارونسون، ا. (1387). روانشناسی اجتماعی. ترجمه: حسین شکر کن، (1999). تهران: انتشارات رشد.
- بیابانگرد، اسماعیل، صالحی سده، زیبا. (1386). تحلیل محتوای خشونت در فیلم ها و سریال های تلویزیونی. پژوهش و سنجش، دوره 13، شماره 48.
- توسلی، عباس. فاضلی، رضا. (1381). تأثیر پایگاه اجتماعی - اقتصادی و رفتار والدین بر اثر بخشی خشونت تلویزیونی بر رفتار کودکان. مجله جامعه شناسی ایران، دوره 4، شماره 3.
- جوادی، فاطمه، سهرابی، فرامرز، فلسفی نژاد، محمد رضا، برجعلی، احمد. (1387). بررسی تاثیر سبک مداخله (نظارت) در تماشای خشونت تلویزیونی بر پرخاشگری پسران 9-11 ساله. پژوهش و سنجش، دوره 15، شماره 54.
- حسن زاده، رمضان. (1386). انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات ارسباران.
- سروقد، سیروس، دانش پور، آیدا. (1389). رابطه راهبردهای فراشناختی با پرخاشگری و شیوه های مقابله با استرس دانش آموزان دوره پیش دانشگاهی شهر شیراز. مجله روش ها و مدل های روانشناختی، جلد 1، شماره 2.
- سیف، علی اکبر. (1388). روانشناسی پرورشی نوین. تهران: انتشارات دوران.
- فتحی نیا، محمد، علیزاده، عبدالرحمان. (1382). خشونت گرایی تماشاگران فوتبال و نقش رسانه ها در کنترل آن. پژوهش و سنجش، دوره 12، شماره 42 و 43.
- فرجی، ذبیح الله. (1371). انگیزش و هیجان. تهران: انتشارات خردمند.
- کارلسون، ا، فایلیتزن، س. (1380). کودکان و خشونت در رسانه های جمعی. ترجمه: مهدی شفقتی، (1999). تهران: انتشارات: مرکز تحقیقات مطالعات و سنجش برنامه ریزی صدا و سیما جمهوری اسلامی ایران.
- محمدی، نورالله. (1385). بررسی مقدماتی شاخص های روان سنجی پرسش نامه ی پرخاشگری باس و پری. مجله علوم اجتماعی و انسانی دانشگاه شیراز، دوره 25، زمستان 1385.

مسعود نیا، ابراهیم. (1389). **خصوصیت، خشم و خطر بروز آترواسکلروز عروق کرونر**. مجله علمی پژوهشی دانشگاه علوم پزشکی شهید صدوقی یزد. دوره 18، شماره 6، صفحه 540_551.

نویدی، احد. (1387). **تاثیر آموزش مدیریت خشم بر مهارت های سازگاری پسران دوره متوسطه شهر تهران**. مجله روانپزشکی و روانشناسی بالینی ایران. سال 14، شماره 4، زمستان 87.

Anderson, C.A. , Berkowitz, L. , Donnerstein, E. Huesmann, L.R. Johnson, J.D. Linz, D. , Malamuth, N.M. , Wartella, E. (2003). **The influence of media violence on youth. Psychological science in the public Interest, Supplement ,Volume 4, Issue 3.**

Browne, p. , Hamilton-Giachritsis, c. (2008). **The influence of violent media on children and adolescents: a public-health approach.**_The Lancet, Volume 371, Issue 9619.

Brown, J. , Witherspoon, E. (2002). **The mass media and american adolescents health. Journal of adolescent health, Vol. 31, No. 6S, page 153-170.**

Coyne, S. , Nelson, D. , Graham-Kevan, N. , Keister, E. , Grant, D. (2010). **Mean on the screen: Psychopathy, relationship aggression, and aggression in the media.** Personality and Individual Differences, Voulme 48, page 288- 293.

Ferguson, C. , Miguel, C. , Hartley, R. (2009). **A Multivariate Analysis of Youth Violence and Aggression: The Influence of Family, Peers, Depression, and Media Violence.** The Journal of Pediatrics, Volume 155, Issue 6, Pages 904-908.

Gunderson , j. (2006). **Impact of real life and media violence: relationship between violence exposure , aggression , hostility and empathy.** Thesis submitted for doctor of Philosophy degree the university of Toledo.

Gunter, B. (2008). **Television Programming and Violence, International.** Encyclopedia of Violence, Peace, & Conflict, Pages 2055-2068.

hopf, w. , huber , G. , wieß, R. (2008). **Media violence and youth violence: A 2 – year longitudinal study.** journal of media psychology. Volume, 20 , pages 79-96.

Kader, K. (2006). **Childerns perceptions of screens violence and the effects on their well being.** Thesis submitted for the degree of Master's of Psychology the university of the Western Cape Bellville.

Kiewitz, C. , weaver, J. (2001). **Trait aggressiveness, media, and perceptions of interpersonal conflict..** Personality and Individual Differences, Voulme 31, pages 821-835.

Kuntsche, E. (2004). **Hostility Among Adolescents in Switzerland? Multivariate Relations Between Excessive Media Use and Forms of Violence.** Journal of Adolescent Health, Volume34, , page 230-236.

Pieper, C. , Eron, L. , Rowell Huesmann, L. (2008). **Television Programming and Violence, US.** Encyclopedia of Violence, Peace, & Conflict, Pages 2069-2078.

- Rosenkoetter, L. , Rosenkoetter, SH. , Acock, A. (2009). **Television violence: An intervention to reduce its impact on children.** Journal of Applied Developmental Psychology, 30 (2009), page 381-397.
- Sargent, j. , Heatherton, T. , Ahrens, B. , Dalton, M. , Tickle, J. , Beach, M. (2002). **Adolescent exposure to extremely violent movies.** Journal of Adolescent Health, Volume 31, Issue 6.
- Singer, M. , Slovak, K. , Frierson, T. , York, P. (2009). **Viewing Preferences, Symptoms of Psychological Trauma, and Violent Behaviors Among Children Who Watch Television.** Journal of the American Academy of Child & Adolescent Psychiatry Volume 37, Issue 10.
- Strasburger, V. (2004). **Children, adolescents, and the media.** Current Problems in Pediatric and Adolescent Health Care. Volume 34, Issue 2, Pages 54-113.
- Whitney, C. , Wartella, E. (2001). **Violence and Media.** International Encyclopedia of the Social & Behavioral Sciences, Pages 16187-16192.

Archive of SID